

«متن درس»، «دانش زبانی»، «واژه آموزی»، «درک متن»، «درک و دریافت» و  
«خوانش و فهم»:

خواندن یکی از مهم‌ترین مهارت‌های زبانی است که در دوره ابتدایی به طور خاص مورد توجه قرار گرفته است. اولین سطح خواندن روخوانی است. روخوانی نیز خود سطوحی دارد که گام اول آن خواندن درست و روان یک متن است. گام بعدی در روخوانی، رعایت لحن و آهنگ متن، با توجه به شرایط موجود و متناسب با فضای حاکم بر متن است. در کلاس‌های درس معمولاً به روخوانی صحیح متن پرداخته می‌شود، اما توجه به لحن و آهنگ آن مغفول می‌ماند. خواندن زیبا مانند دمیدن روح بر بیکره بی‌جان متن است. در صورتی که متن با لحن مناسب خوانده نشود، زنده نیست و برای دانش‌آموزان جذابیتی نخواهد داشت.

سطح دوم خواندن، درک متن است که در یک فرایند گام به گام، این مهارت در دانش‌آموزان تقویت می‌شود. گام‌های فرایند درک خوانداری از طریق مراحل زیر طی می‌گردد. البته نیازی به آموختن این سطوح به دانش‌آموزان نیست و این مطالب ویژه معلمان است.

تقویت تمرکز خوانداری و ایجاد عادت صامت خوانی؛

● سطح ۱: دیده، خوانده و شنیده گویی (درک اولیه)

● سطح ۲: معنایابی (استنباط)

● سطح ۳: برهم نهی (تلفیق)

● سطح ۴: معنا سازی (تفسیر)

برای درک بیشتر مفاهیم یاد شده، هر یک را با نمونه، توضیح می‌دهیم:

**درک /تولیه:** درک در لغت به معنای دریافتن، بی‌بردن و دریافت است (فرهنگ معین). خواست

ما از درک اولیه، دریافت دانش و خبرهایی است که آشکارا در متن بیان شده است. مقصود از

«دیده و شنیده گویی» بازگفتن چیزهایی است که در متن دیده‌ایم یا از متن شنیده‌ایم؛ یعنی بیان دیده‌ها و شنیده‌ها، بی کم و کاست؛ مثلاً در درس آمده است «هفت خان نام هفت مرحله از نبردهای رستم است»، و از خواننده پرسیده می‌شود «هفت خان چیست؟». خواننده، اگر هنگام خواندن متن، اندکی تمرکز داشته باشد، می‌تواند به سؤال پاسخ دهد. در این صورت می‌گوییم او دانش آشکار و دیده شده متن را درک کرده است.

**استنباط:** استنباط در لغت به معنای در آوردن، بیرون کشیدن، دریافت معنی و مفهوم بر اثر تیزهوشی و استخراج حقایق است (فرهنگ معین). درک این سطح گام، از درک اولیه اطلاعات متن، فراتر است. قصد از رسیدن به استنباط، درک مطالبی است که به طور آشکار در متن بیان نشده است، بلکه خواننده با توجه به نشانه‌ها و سرخ‌هایی که در متن آمده است و دانسته‌های پیشین خود درباره جهان پیرامونش، می‌تواند بفهمد.

برای نمونه، وقتی در متن آمده است «صدای خش‌خش برگ‌ها در زیر پایش شنیده می‌شد...»، و از خواننده پرسیده می‌شود «داستان متن در چه فصلی اتفاق افتاده است؟». در اینجا کلمه پاییز، آشکارا در متن نیامده است و خواننده با توجه به صدای خش‌خش برگ‌ها و با توجه به شناختی که از پیش نسبت به فصل پاییز دارد، می‌تواند به معنا و مقصود پرسنده و استنباط از متن برسد. این گونه سؤال‌ها ابتدایی‌ترین سطح درک است اما در سطوح پیشرفته‌تر سؤال‌های ادراکی دشوارتر می‌شود و به دقت و دانش قبلی بیشتری نیاز دارد.

**تلفیق:** تلفیق در واژه به معنای با هم آوردن، به هم بستن، مرتب کردن، آراستن و برهم نهادن است (فرهنگ معین). منظور از این سطح، کنار هم گذاشتن، برهم نهادن و آراستن همه اطلاعات متن و نتیجه‌گیری کردن است. بهترین مثال برای سؤال‌های تلفیق اطلاعات متن، درک سیر رویدادهای متن است. وقتی خواننده متنی را می‌خواند، باید رخداد‌های آن را به خاطر بسپارد. در این صورت می‌تواند مطالب را با هم تلفیق کند.

برای سنجش این موضوع، رویدادهای متن به صورت به هم ریخته در اختیار خواننده قرار می‌گیرد و از او خواسته می‌شود طبق ترتیب رویدادهای متن، جمله‌ها را شماره‌گذاری کند. گونه دیگر از پرسش‌های این سطح به این صورت است که مثلاً در متن یک داستان، دو شخصیت وجود دارد که از خواننده خواسته می‌شود، دو شخصیت را با هم مقایسه کند.

**تفسیر:** تفسیر در لغت به معنای هویدا کردن، شرح و گزارش کردن و بیان حقیقت معنا و مراد است (فرهنگ معین). این مرحله، در حقیقت، ترکیبی از سطح ۲ و ۳ (تلفیق اطلاعات متن با استنباط) است. در واقع خواننده به این توانایی می‌رسد که تمام اطلاعات و یافته‌های از متن را با هم تلفیق کند، سپس آنها

را با دانش بیشین خود درباره جهان پیرامونش، در آمیزد و بدین سان، به جمع بندی آموخته‌ها برسد، تا در پی آن معنای تازه‌ای از محتوای متن خوانده شده را، بر حسب توانایی ادراکی خویش بسازد.

**توجه:** سؤال‌های استنباطی، تلفیقی و تفسیری انعطاف بیشتری دارند و هر دانش‌آموز به فراخور درک و دریافت خود می‌تواند پاسخ صحیح دهد، اما به این معنی نیست که به تعداد دانش‌آموزان پاسخ وجود دارد.

تحقیقات حاکی از آن است که بسیاری از دانش‌آموزان از مهارت روخوانی برخوردارند و متن را با صدای بلند، روان و صحیح می‌خوانند، اما در بازیابی اطلاعات متن و تعبیر و تفسیق مطالب، عملکرد ضعیفی دارند. پیامد این درک ضعیف متن، در تمامی دروس، نمود خواهد یافت. دانش‌آموز، مسئله ریاضی را می‌خواند، اما درک نمی‌کند که مسئله از او چه خواسته است، از این رو، در حل آن، دچار مشکل می‌شود. یا هنگامی که دانش‌آموز نمی‌تواند مطالب مطرح شده در کتاب درسی علوم را درک کند، آنها را حفظ می‌کند؛ و طبیعی است که اندکی پس از امتحان، مطالب حفظ شده را فراموش خواهد کرد. این امر موجب می‌گردد که دانش‌آموز از همان دوره ابتدایی عادت کند که فقط به مهارت کسب دانش، آن هم به صورت سطحی، بسنده کند و به مهارت اندیشیدن دست نیابد. از سوی دیگر، زمانی که اندیشیدن و خلاقیت در امر یادگیری، نادیده گرفته شود، این فرایند به تدریج خسته‌کننده و کسالت‌آور خواهد شد. در حالی که اگر دانش‌آموزان بتوانند انواع متون را به صورت هدفمند و همراه با درک و آگاهی بخوانند، از کسب دانش، فراتر خواهند رفت و یادگیری برای آنها، پویا و لذت‌بخش خواهد شد و توانایی استدلال و تولید علم را کسب خواهند کرد.

کتاب فارسی ششم برای تقویت توانایی ادراکی زبان‌آموزان، نگاه ویژه‌ای به درک متن دارد. در فعالیت «درک مطلب» به آموزش درک متن می‌پردازد. همچنین صامت‌خوانی متن‌های «بخوان و بیندیش» و پاسخ به سؤال‌های «درک و دریافت» در انتهای آنها، به ایجاد عادت صامت‌خوانی و تقویت تمرکز در روخوانی، کمک ویژه‌ای می‌کند. در انتهای هر متن شعر نیز، سؤالات «روخوانی و فهم» آمده است. موضوع درک متن در یک فرایند گام به گام، طراح شده و عناصر کتاب بر نظمی استوار سازمان یافته است. سؤال‌های «درک مطلب»، «درک و دریافت» و «خواندن و فهم» با توجه به سطوح درک متن، طراح شده‌اند.

توانایی خواندن متون، مهارتی است که اولیا و مربیان کودکان، از بدو ورود آنان به مدرسه، به آن علاقه و توجه دارند. به واقع در مدرسه است که دانش‌آموز با متن، به عنوان گونه‌ای دیگر از زبان یعنی زبان نوشتاری، آشنا می‌گردد. اما هدف آموزش این مهارت به دانش‌آموز چیست؟ یکی از پاسخ‌های متداول این است که می‌خواهیم به دانش‌آموز سواد بیاموزیم. در واقع، سواد از نظر

بسیاری ادای درست کلمات در سخن گفتن و یافتن معنای مراد نویسنده در نوشته است در حالی که در آموزش انتقادی و در ذهنیت طرفداران آن، نظر دیگری وجود دارد. از نظر اینان، هدف آموزش آن است که خواننده بتواند، در خواندن متن، ویژگی‌ها، ساختار و اهداف آن را بیابد. چنین آموزشی به کسب سواد انتقادی منجر می‌شود، که ناظر بر جوانب اعتقادی، فرهنگی و هنری و ... متن است. اهمیت نظام آموزش انتقادی، در دوره‌های بالاتر مانند دبیرستان و دانشگاه، نمایان‌تر می‌گردد. از آنجا که در آن دوره‌ها تأکید بر درست خوانی و روان خوانی منتفی است، راحت‌تر می‌توان مهارت خواندن را با تفکر انتقادی همسو ساخت. تفکر انتقادی که جزء لاینفک آموزش انتقادی است به تفکری گفته می‌شود که هدفمند و منطقی در تصمیم‌گیری‌ها به ما کمک می‌کند.

**واژه آموزشی:** این بخش، با هدف گسترش و تقویت دامنه لغات پایه دانش‌آموزان و آشنایی آنان با شیوه‌های واژه‌سازی در زبان فارسی معیار، سازماندهی شد. این کار به رشد توانایی‌های زبانی کمک می‌کند. گسترش دامنه واژه‌های دانش‌آموزان در درک خوانداری و شنیداری و نیز مهارت در سخن گفتن و نوشتن، نمود می‌یابد. در این بخش ارائه مطالب از آسان به مشکل و با توجه به بسامد فرایند واژه‌سازی است.

واژه آموزشی کتاب فارسی ششم		
شماره درس	نام درس	موضوع
درس دوم	پنجره‌های شناخت	کلمات هم خانواده
درس چهارم	داستان من و شما	نشانه جمع «ان»
درس نهم	رنج‌هایی کشیده‌ام که می‌رس	واژه نامه
درس دوازدهم	دوستی	واژه‌های امروزی
درس شانزدهم	آداب مطالعه	واژه خوان/ خوانی

## دانش زبانی و دانش ادبی

دانش زبانی و دانش ادبی فارسی ششم		
موضوع	نام درس	شماره درس
تغییر اجزای جمله	معرفت آفریدگار	درس اول
کلمه‌های چندبخشی	هوشیاری	درس سوم
آرایه‌های ادبی	هفت خان رستم	درس پنجم
منادا	ای وطن	درس ششم
نشانه‌های نگارشی	درباقلی	درس هشتم
انواع شعر	عطار و جلال الدین	درس دهم
تشبیه	شهدا خورشیدند	درس یازدهم
شخصیت بخشی و مناظره	راز زندگی	درس چهاردهم
شبه جمله	میوه هنر	درس پانزدهم
بهره گیری از کلمات مخالف، با هدف زیبانویسی	ستاره روشن	درس هفدهم